

لایحه آراء والیہ

(رقبات ہندوستان) رقیبانہ ن لکھنؤ سید ہندو

رشیہ ہندو

پانچواں لکھنؤ

London

پانچواں لکھنؤ سید ہندو (رقبات ہندوستان) رقیبانہ ن لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

(رقبات ہندوستان) رقیبانہ ن لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

یک سال در امریکا

دکتر عیسیٰ خان صدیق
(صدیق اعلم سابق)

سید رضا وسیمہ گر

بہ کوشش

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

پانچواں لکھنؤ سید ہندو

فهرست

- ۷ مقدمه □
- ۱۵ مقدمه‌ی استاد دکتر رضا شعبانی □
- ۱۹ سال‌شمار زندگی عیسی‌خان صدیق (صدیق‌اعلم سابق) □
- ۲۷ یک سال در آمریکا □
- ۲۹ دیباچه □
- ۳۱ فصل اول: پیش‌آمد مسافرت □
- ۳۹ فصل دوم: ورود به نیویورک □
- ۵۳ فصل سوم: یک هفته در کوهستان □
- ۷۵ فصل چهارم: در دارالفنون کلمبیا □
- ۹۶ فصل پنجم: از نیویورک به واشینگتن □
- ۱۲۵ فصل ششم: در شهر دترویت □
- ۱۵۱ فصل هفتم: از نیویورک به انگلستان جدید □
- ۱۷۵ فصل هشتم: پنج ماه آخر □
- ۱۹۹ پی‌نوشت‌ها □

مقدمه

از دوره‌ی نوجوانی و سپس به نحو دقیق‌تر از سال‌های آغازین دانشگاه با شخصیت و اندیشه‌ی عیسی صدیق (صدیق‌اعلم سابق) آشنا شده بودم. واسطه‌ی این آشنایی آثار مشهور و شناخته‌شده‌ی او از جمله «تاریخ فرهنگ ایران»، «تاریخ فرهنگ اروپا» و «روش نوین در تعلیم و تربیت» بود. هنگامی که به باورهای مسلط در باب امر توسعه و ترقی در میان ایرانیان امروزی و همچنین در تجربه‌ی صد و پنجاه‌ساله‌ی معاصر کشورمان می‌اندیشیدم، غلبه‌ی الگوهای توسعه‌ی سیاسی، توسعه‌ی اقتصادی و در مرتبه‌ای کم‌اهمیت‌تر الگویی استحاله‌شده و غیر اصیل از توسعه‌ی فرهنگی سخت چشمگیر می‌نمود. همواره چنین به نظر آمده که در اکثریت آراء غالب، چه در ذهنیت سردمداران حکومت‌های مستقر و چه در میان روشنفکران و اندیشه‌گران، تعلیم و تربیت و آموزش نقشی فرعی، دست‌چندم و البته تزیینی و نمایشی بر عهده داشته است. بصیرت‌های پراکنده‌ی احمد کسروی، صمد بهرنگی و فخرالدین شادمان و افرادی از این دست و همچنین کوشش‌های اصیل و پرثمر چهره‌هایی کم‌نظیر و استثنایی همچون دکتر پرویز ناتل خانلری همواره برایم سرچشمه‌ی امید و درس‌آموزی بوده است. اما آشنایی با عیسی صدیق، آشنایی با نویسنده‌ای بود که دغدغه‌ی تعلیم و تربیت، وضع مادی و معنوی مدرسه و دانشگاه، مواد درسی و مسائلی از این دست، برای او اصالت و اولویت داشت. همواره برایم شگفت‌آور بود که در این کویر بی‌توجهی به آموزش و پرورش، کسی تمام آثار خویش را مطلقاً به این امر اختصاص دهد و با نهایت دلسوزی و دغدغه‌مندی، تجارب آموزشی خود در کشورهای مغرب‌زمین را با مفصل‌ترین و ریزترین جزئیات به وطن خویش منتقل کرده و سعی در اعمال آن‌ها در این سرزمین داشته باشد. شاید بسیاری از آراء او از جمله نگاه منورالفکرانه و گاه غیر انتقادی او به تمدن مدرن، امروزه، حداقل برای نگارنده، قابل

پذیرش نباشند (همچنانکه جهان‌بینی و مقاصد فکری و سیاسی دیگر شخصیت‌های مذکور در بالا نیز شاید از مناظر گوناگون قابل انتقاد به نظر آیند) اما اصالت آموزش و پرورش برای رسیدن به این مقصود، هرچه که باشد، جالب توجه است. تمامی آثار صدیق مؤید چنین باور و دغدغه‌ای است.^۱

*

پس از چند سال دوری از آراء و آثار عیسی صدیق، مدتی پیش در کتابخانه‌ی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی به اثری کهنه به قلم او تحت عنوان یک سال در آمریکا برخوردیم. تاریخ چاپ اثر به سال ۱۳۱۱ برمی‌گشت. با علاقه‌ی فراوان مطالعه‌ی کتاب را شروع کردم. هنوز چند صفحه‌ای پیش نرفته بودم که متوجه شدم با یک اثر پراهمیت مواجه هستم. ابتدا گمان می‌کردم که به دلیل عدم کار تخصصی در این باب، تنها خود با این اثر آشنا نبوده‌ام و این‌که شاید یک سال در آمریکا کتابی مشهور است. تحقیق و پرس و جوی بعدی، به خصوص از اساتید تاریخ ایران در دوره‌ی معاصر نشان داد که این اثر، اثری شناخته شده نیست و به جز دو چاپ در سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۲۱ شمسی چندان مورد توجه نبوده است.^۲ از این رو با مشورت اساتید تصمیم گرفتم به کوششی در جهت چاپ مجدد آن دست بزنم.

*

در این مقدمه علاقه دارم وجوه اصالت، جذابیت و اهمیت این اثر و دلایل مبادرت به چاپ مجدد آن را ذیل هشت عنوان شرح دهم. آشکار است که این گزارش از منظر شخصی و محدود نگارنده سرچشمه می‌گیرد:

۱. یک سال در آمریکا نماینده‌ی مرحله‌ای نوین در سیر تکامل سفرنامه‌نویسی ایرانی است: از آغازین واسطه‌های آشنایی جامعه‌ی ایران با تمدن بی‌سابقه و بی‌همتای مدرن، نگارش تجارب و دیده‌ها و شنیده‌های مسافران به آن سرزمین‌ها بوده است. سنخ‌شناسی این سفرنامه‌ها می‌تواند سیری تحولی از توجه به مظاهر و ظواهر کم‌اهمیت و عَرَضی به مرحله‌ای عالی‌تری یعنی عنایت به مسایل بنیادین‌تر و غیرمادّی‌تر را نشان می‌دهد. در سفرنامه‌های عصر ناصری، دوران پیشا مشروطه و حتی مقارن با عصر مشروطه همچنان سفرنامه‌نویسان مفتون ظواهر مادّی و چشمگیر پاریس و لندن و پترزبورگ هستند و به نحو مفصّل در باب «خوبی لب و صباحت رنگ و سیاهی چشم و موی» خویریانی «که در حُسن قدّ و رخسار طعنه بر حوران ابکار می‌زنند»^۳ و «بستان و خیابان‌های دلکش»^۴ و «خوبی گوشت و پنیر و شیر و مسکه»^۵ به قلم فرسایی می‌پردازند و عنایتی گذرا و اندک به تحولات جدّی‌تر از خود نشان می‌دهند.^۶ اما